درس ۱۹

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) کولسیان و اول تسالونیکیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (کولسیان ۳- ۴ و اول تسالونیکیان فصل ۱) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۵: ۲۴

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) ازدواج مسیحی

مقدمه: این تعلیم در رابطه با ازدواج مسیحی است. در این درس یاد خواهیم گرفت که کتاب‌مقدس درمورد ازدواج و مراسم آن چه تعلیمی می‌دهد.

الف - مشخصات ازدواج

۱- ازدواج، ایده و حکم خداست و خود خدا بانی و مؤسس آن می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: منشأ و سرآغاز رسم ازدواج چیست؟

الف) ازدواج بیانگر رابطه موجود میان دو فرد از دو جنس مخالف است.
بخوانید: پیدایش ۱: ۲۶- ۲۸؛ ۲: ۱۸- ۲۴؛ امثال ۵: ۱۵- ۱۹.
ملاحظات: وقتی خدا تصمیم گرفت جهان را خلق کند، راهی مقرر داشت تا موجودات مختلف بتوانند از طریق آن رشد کنند و ادامه بقا یابند. خدا موجودات را با جنسیتهای مختلف خلق کرد و برای این کار هدفی داشت. مرد و زن، هر دو انعکاسی از تصویر خدا هستند. آنان در چارچوب ازدواج کوچکترین واحد خانواده را که پایه و اساس جامعه بشری است، تشکیل می‌دهند. خدا انسان را بصورت مرد و زن آفرید تا زن و شوهر به هم پیوسته، واحد خانوادگی قدرتمندی را بوجود آورند و از ازدواج خود لذت ببرند، و بدین ترتیب بشر بتواند به حیات خود ادامه دهد.

ب) ازدواج حکم خداست و او بانی و مؤسس آن است.
بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۴- ۶؛ افسسیان ۵: ۳۱.
ملاحظات: ازدواج یکی از ابداعات فرهنگ یا جامعه بشری محسوب نمی‌شود. خدا خود در نهاد مرد و زن نیاز به ازدواج را قرار داد و آن را بنیان نهاد. بر طبق پیدایش ۲: ۲۴، قبل از آنکه مرد و زن گناه کرده، سقوط نمایند، خدا نقشه خود مبنی بر ازدواج بین آندو را آشکار کرده بود. او ازدواج را بعنوان رابطه‌ای مقدر کرد که در آن شخص باید خانواده خود را ترك کرده، با زن یا شوهر خود متحد شود و در این چارچوب زن و شوهر می‌توانند با هم رابطه جنسی داشته باشند. بر طبق متی فصل ۱۹ و افسسیان فصل ۵، حتی پس از سقوط مرد و زن، خدا حکم و بنیاد ازدواج را برقرار نگاه داشت. عیسی مسیح خداوند و پولس رسول، هر دو بر این موضوع تأکید می‌کنند که ازدواج به عنوان رسمی که خدا خود بانی و مؤسس آن بوده است، باید در میان تمام ملل و فرهنگهای روی زمین تداوم داشته باشد.

پ) ازدواج تصویری است از رابطه بین خدا و قومش.
بخوانید: ارمیا ۳: ۱؛ افسسیان ۵: ۲۲- ۲۵.
ملاحظات: در عهد عتیق، ازدواج تصویر و تداعی‌کننده رابطه بین خدا و قومش بر روی زمین است. شخصی که از خدا رویگردان می‌شود، در نظر خدا مثل یك فاحشه است. در عهد جدید، ازدواج مسیحی تصویری است از رابطه بین مسیح و کلیسای او، و بر این رابطه گواهی می‌دهد. اگرچه در طول سالهای متمادی فرهنگهای موجود در جهان رسم ازدواج را که خدا آن را مقرر داشته است تغییر داده‌اند، خدا کماکان خواهان آن است که تمام مردم و فرهنگهای روی زمین ازدواج را رسمی بدانند که خود خدا بانی آن است.

۲- ازدواج باید بر تك همسری مبتنی باشد.

کشف و گفتگو کنید: خدا درمورد تعدد زوجین و صیغه چه می‌فرماید؟

الف) خدا در زمان آفرینش انسان، تك همسری را مقرر داشت.
بخوانید: اول پادشاهان ۱۱: ۱- ۱۱.
ملاحظات: اگرچه در عهد عتیق درمورد پادشاهان مهمی چون داود و سلیمان می‌خوانیم که بیش از یك زن داشتند، کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که تعدد زوجین از همان ابتدای خلقت بشر با نقشه و برنامه خدا در تعارض بوده است.
تعدد زوجین در عهد عتیق به مشکلاتی چون حسادت، تبعیض و بت‌پرستی منجر می‌شد.

ب) حتی پس از سقوط انسان، تك همسری به عنوان رسمی که خود خدا بانی آن است، حفظ گردید.
بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۵.
ملاحظات: خدا هیچوقت نقشه اولیه خود را که در پیدایش ۲: ۲۴ عنوان شده، تغییر نداده است. خدا هرگز نفرمود: "مرد باید با زنهای خود بپیوندد"، بلکه فرمود: "او باید با زن خود بپیوندد." خدا کلمه زن را بصورت مفرد بکار برده است. عیسی این حکم را تکرار می‌کند و در متی ۱۹: ۵ می‌فرماید: "آن دو یك تن خواهند شد". او رابطه موجود در ازدواج، مخصوصاً رابطه جنسی را، تنها به دو نفر محدود کرده است. خدا با چند همسری و صیغه مخالف است. او همچنین مخالف زنا و داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج است. خدا از لاس زدن نفرت دارد، زیرا این عمل تظاهر به عشق و معاشقه است در فضایی که در آن خلوص نیت و پرهیزگاری وجود ندارد و هدف صرفاً ارضای لذایذ شخصی است (پیدایش ۳: ۱- ۵؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱- ۲؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱- ۶).

۳- ازدواج تا زمانی تداوم می‌یابد که طرفین ازدواج هر دو در قید حیات هستند.

کشف و گفتگو کنید: خدا در رابطه با تداوم ازدواج چه می‌فرماید؟

الف) خدا زن و مرد را تا پایان عمر با هم متحد می‌سازد.
بخوانید: دوم قرنتیان ۶: ۱۴؛ متی ۱۹: ۳- ۶؛ ملاکی ۲: ۱۶.
ملاحظات: بر طبق دوم قرنتیان ۶: ۱۴، یك فرد مسیحی موظف است تنها با شخصی ایماندار ازدواج کند. ولی بر طبق متی ۱۹: ۶، این خداست که دو نفر را مادام که در قید حیات هستند در پیمان ازدواج با هم متحد می‌سازد. عیسی به وضوح تعلیم می‌دهد که خدا بهنگام آفریدن انسان به او اجازه طلاق نداد. تعلیم عیسی چنین است: "آنچه را که خدا پیوست، انسان آن را جدا نسازد". ازدواج به این معنا است که خدا زن و مرد را تا زمانی که بر این زمین زندگی می‌کنند به یکدیگر پیوسته است. خدا می‌فرماید: "من از طلاق و از اینکه انسانها به هم ظلم کنند، نفرت دارم". خدا طلاق را نوعی ظلم در حق طرفین ازدواج محسوب می‌کند، و به همین جهت از آن نفرت دارد.

ب) طلاق در کتاب‌مقدس.
بخوانید: متی ۱۹: ۹؛ اول قرنتیان ۷: ۱۵.
ملاحظات: بااینحال کتاب‌مقدس بواسطه وجود گناه در جهان، طلاق را تنها در صورت عدم وفاداری زوجین نسبت به هم، یا در صورت زنای روحانی یا ناسازگاری از لحاظ روحانی، جایز می‌شمارد (به دستورعمل بنای کلیسا کتاب ۴ درس ۴۱ مراجعه کنید). بر طبق کلام خدا، طلاق تنها در صورتی جایز است که یکی از طرفین ازدواج دچار فساد جنسی باشد، رفتاری ظالمانه و خشن داشته باشد و یا نخواهد با شریک مسیحی خود زندگی کند.

۴- ازدواج امری موقتی است و تنها به زندگی کنونی زوجین بر روی این زمین محدود می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: آیا ازدواج پس از مرگ نیز ادامه می‌یابد؟ مرگ چه تأثیری بر روابط یك زوج دارد؟

الف) ازدواج مادام كه يك زوج در قيد حيات هستند تداوم می‌يابد.
بخوانيد: روميان ۷: ۲؛ اول قرنتيان ۷: ۳۹.
ملاحظات: پولس تعليم می‌دهد كه روابط در چارچوب ازدواج تنها محدود به مدتی است كه طرفين ازدواج در قيد حيات هستند. اگر يكی از طرفين بميرد، همسر او ديگر تعهدی نسبت به او ندارد و می‌تواند با يك فرد مسيحی ديگر ازدواج كند.

ب) خدا ازدواج را برای انسان بر روی زمين مقرر كرد، نه برای آسمان.
بخوانيد: متی ۲۲: ۲۳- ۳۲.
ملاحظات: عيسی تعليم می‌دهد كه پس از قيامت مردگان مردم ديگر ازدواج نخواهند كرد و چنين عهدی با يكديگر نخواهند بست. در آن زمان مسيحيان مانند فرشتگان آسمان خواهند بود. بااينحال تمامی روابط موجود بين مردم بر اين زمين، از جمله رابطه آنان با همسران قبلی‌شان، در آسمان جنبه‌ای بسيار غنی و پرمعناتر خواهد داشت، زيرا همگان در حضور خدا زندگی كاملی خواهد داشت. بنابراين خدا ازدواج را برای مدت زمانيكه انسان بر روی اين زمين زيست می‌كند مقرر داشت، نه برای زمانی كه او در آسمان است. ارزش ابدی ازدواج بين زن و مرد در اين دنيا، بخاطر تاثيری است كه ازدواج در ساختن شخصيت فرد، منعكس كردن مسيح و اعلام پيام او، و توليد فرزندان دارد.

۵- ازدواج برای بسياری از مردم رابطه‌ای معمولی بر اين زمين است، ولی اين لزوماً به اين معنا نيست كه همه بايد ازدواج كنند يا ازدواج به نفع همه است، بلكه خدا ممكن است برای زندگی برخی از مردم هدف ديگری داشته باشد.

كشف وگفتگو كنيد: چرا ازدواج لزوماً برای همه بهترين راه نيست؟

الف) مزايای ازدواج نكردن.
بخوانيد: متی ۱۹: ۹- ۱۲؛ اول قرنتيان ۷: ۸- ۹، ۲۵- ۳۵؛ اول قرنتيان ۹: ۵؛ اول تيموتاؤس ۳: ۲؛ ۴: ۳.
ملاحظات: اگرچه برخی از زاهدين ازدواج را منع می‌كنند و برخی از كليساها با ازدواج رهبرانشان مخالفت می‌كنند، عيسی و پولس هر دو تعليم می‌دهند كه ازدواج بايد رابطه‌ای معمول ميان مسيحيان و حتی رهبران محسوب شود. تعليم آنها اين است كه تجرد نه لعنت است و نه مجازات. افراد مجرد به اندازه افراد متأهل در نظر خدا ارزش دارند. ممكن است نقشه خدا برای برخی از انسانها اين باشد كه برای مدتی و يا برای هميشه در طول زندگی‌شان مجرد باقی بمانند تا بدين ترتيب بتوانند به كار يا خدمت خاصی در ملكوت خدا مشغول باشند. ممكن است خدا بخواهد چنين افرادی به طور كامل خود را وقف خدمت به او نمايند.

ب) وعده خدا به افرادی كه ازدواج نكرده‌اند.
بخوانيد: اشعيا ۵۴: ۱- ۵.
ملاحظات: خدا به افرادی كه ازدواج نكرده‌اند وعده می‌دهد كه در نتيجه خدمتشان در ملكوت خدا ثمر خواهند آورد.

پ) هشدار خدا در رابطه با ازدواج با افراد بی‌ايمان.
بخوانيد: اول قرنتيان ۷: ۱۶، ۳۹.
ملاحظات: به خاطر وجود گناه در اين جهان، خيلی از زنان مسيحی هستند كه نمی‌توانند مردان مسيحی مناسبی جهت ازدواج بيابند. كليساها بايد به جای اينكه به چنين زنانی اجازه دهند با مردان بی‌ايمان ازدواج كنند، بكوشند مردان بيشتری را در كشور خود به سوی مسيح جذب كنند. پولس رسول نه تنها در مورد ازدواج فرد مسيحی با يك بی‌ايمان هشدار می‌دهد، بلكه ما را از داشتن تصورات اشتباه در اين رابطه نيز برحذر می‌دارد. برخی از مسيحيان فكر می‌كنند كه اگر با يك بی‌ايمان ازدواج كنند، می‌توانند روی او تأثير بگذارند و باعث نجات او شوند، و فكر می‌كنند كه همسرشان سرانجام به مسيح ايمان خواهد آورد. و حال آنكه اين تصورشان اشتباه است، زيرا هيچ انسانی نمی‌تواند انسان ديگری را متقاعد سازد كه به مسيح ايمان آورد. اينكار تنها مخصوص خود خدا است (يوحنا ۶: ۴۴). بنابراين يك مسيحی نبايد مغرور شود و از خدا نااطاعتی كند. چنين ازدواجی ممكن است برای زوج ايماندار و فرزندان او مشكلات فراوانی بوجود آورد.

ب - وظايف زن و شوهر مسيحی

مقدمه: خدا مرد و زن را خلق كرد و رابطه ازدواج را ميان‌شان بنيان نهاد. بنابراين او اين حق را دارد كه وظايف زن و شوهر را نسبت به يكديگر تعيين كند. خدا می‌داند چگونه مخلوقات او می‌توانند به بهترين نحو عمل كنند. يك زن و شوهر مسيحی تنها در صورتی می‌توانند ازدواج مباركی داشته باشند كه وظايفی را كه خدا به آنها سپرده است انجام دهند.
برخی از مردم چنين استدلال می‌كنند كه كتاب‌مقدس وظايف زن و شوهر نسبت به يكديگر را در چارچوب فرهنگ آن زمان بيان كرده است و اين وظايف در مورد مسيحيان كنونی مصداق ندارد. چنين استدلالی بسيار خطرناك است زيرا اصولی كه خدا در كتاب‌مقدس تعليم داده است، برای هر زمانی كاربرد دارد و هدف از آنها، عوض كردن فرهنگ گناه‌آلود انسان است. (مراجعه كنيد به دستورعمل بنای كليسا - كتاب دوم، درس ۲۳، كه ارتباط بين فرهنگ انسان و فرهنگ ملكوت خدا در آن توضيح داده شده است).

۱- وظیفه زن و شوهر مسیحی این است که شهادتی زنده از رابطه موجود میان مسیح و کلیسا باشند.

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲- ۲۵.
کشف و گفتگو کنید: اولین وظیفه یك زن و شوهر مسیحی چیست؟
ملاحظات:
ازدواج باید شهادتی زنده از رابطه موجود میان مسیح و کلیسا باشد. کتاب‌مقدس به شوهران حکم می‌کند که سر زنان خود باشند، چنانکه مسیح نیز سر کلیساست. شوهران باید زنان خود را محبت نمایند، چنانکه مسیح نیز کلیسا را محبت می‌کند. حکم کتاب‌مقدس به زنان این است که تسلیم شوهران خود باشند، همانگونه که کلیسا تسلیم مسیح است. بنابراین ازدواج باید آشکارا نمایانگر ارتباط موجود میان مسیح و کلیسا باشد. بدین ترتیب ازدواج وسیله‌ای خواهد بود جهت اعلام پیام مسیح به جهانیان. مردم جهان با مشاهده یك ازدواج خوب مسیحی بیشتر در مورد مسیح و قوم او خواهند آموخت و نه تنها راجع به محبتی که خدا نسبت به آنها دارد می‌شنوند، بلکه این محبت را عملاً در چارچوب روابط زن و مرد در یك ازدواج مسیحی، می‌بینند. نه تنها در مورد شادی ناشی از ارتباط با خدای زنده می‌شنوند، بلکه نمونه چنین شادی را در چارچوب روابط زن و مرد در ازدواج مسیحی شاهد خواهند بود، و غیره. ارتباط بین زن و شوهر مسیحی در چارچوب ازدواج شهادت پرقدرتی است از واقعیت و جذابیت رابطه با مسیح. ازدواج مسیحی می‌تواند خود عاملی برای بشارت پیام مسیح به مردم بی‌ایمان باشد، مخصوصاً هنگامی که در خانه مسیحی به روی دیگران باز است و مردم می‌توانند عملکرد و رفتار یك خانواده مسیحی را از نزدیك شاهد باشند.

۲- وظیفه شوهران مسیحی محبت و هدایت زنانشان است.

بخوانید: امثال ۳۱: ۱۰-۱۲، ۲۸؛ افسسیان ۵: ۲۵- ۲۹، ۳۳؛ اول پطرس ۳: ۷.
کشف و گفتگو کنید: خدا چه وظایفی به شوهران سپرده است؟
ملاحظات:
الف) اولین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك شوهر مسیحی نهاده است این است که به زنش محبت کند.
زن خود را محبت کردن یعنی به همسرمان همانگونه محبت کنیم که مسیح کلیسا را محبت کرد. محبت کردن یعنی اینکه بجای اندیشیدن به منافع خود، به طرف مقابل بیاندیشیم و به او توجه داشته باشیم. او را با تمام وجود بپذیریم و به او کمك کنیم تا پیشرفت نماید. شوهر باید به زن خود توجه نشان دهد و با او رفتاری احترام‌آمیز داشته باشد. اول قرنتیان فصل ۱۳ محبت را بسیار زیبا توصیف می‌کند. منظور از حلم یا بردباری، محبتی است که می‌تواند صبر کند؛ محبتی است که جنبه تحمیلی ندارد، بلکه کمك می‌کند و از هر موقعیتی برای نیکی کردن به همسر استفاده می‌کند. حسد ندارد، بلکه همواره از طرف مقابل قدردانی می‌کند و او را حرمت مینهد. فخر نمی‌ورزد، بلکه برغم موفقیتهای شخصی و با وجود کارایی و شایستگی، فروتن است و هیچگاه سعی نمی‌کند چنین محسناتی را به رخ طرف مقابل بکشد. کبر و غرور ندارد، بلکه در خصوص نقاط قوت و ضعفی که در رابطه او با همسرش وجود دارند، فروتن و افتاده است. رفتار ناشایست ندارد، بلکه با احترام و ملایمت با طرف مقابل رفتار می‌کند. نفع خود را طالب نیست بلکه بدون در نظر گرفتن منافع فردی، خواهان این است که علایق و خواسته‌های همسرش را برآورده سازد. بیدرنگ خشمگین نمی‌شود، بلکه رفتار نادرست و پرخاشگری‌های طرف مقابل را با ملایمت تحمل می‌کند، و غیره. در کتاب امثال به شیوه دیگری از محبت شوهر نسبت به همسرش برمی‌خوریم: دل شوهری که زن صالحه دارد، بر همسرش توکل دارد. به عنوان مثال، از آنجا که به کمك همسرش متکی است، از او درخواست کمك می‌کند. محبت واقعی باعث می‌شود که زن احساس کند شوهرش به او نیازمند است و قدر او را می‌داند. چنین زنی مایل است در زندگی در حق همسرش نیکی کند. به همین دلیل است که هم شوهر و هم فرزندانش، او را می‌ستایند.

ب) دومین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك شوهر مسیحی نهاده است، رهبری و هدایت زنش است.
یك شوهر باید همانگونه که مسیح کلیسا را هدایت می‌کند، زن خود را هدایت کند. شوهر باید او را مانند یك شبان هدایت کند. او باید زنش را تغذیه کند، از او مراقبت و محافظت کند و در زمان مشکلات به او کمك نماید. شوهر مسیحی باید مثل یك ناظر همسرش را هدایت کند. به عبارت دیگر، باید زنش را در طرق خدا هدایت کند و به فکر علائق او باشد (فیلیپیان ۲: ۴). شوهر مسیحی باید زنش را مانند یك خادم هدایت کند. یا به مفهومی دیگر، باید در قسمتهایی که همسرش به او نیاز دارد، او را خدمت کند.

۳- زنان مسیحی نیز وظیفه دارند که به شوهرانشان محبت کنند و به آنها احترام بگذارند.

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲- ۲۴، ۳۳؛ تیطس ۲: ۴- ۵؛ اول پطرس ۳: ۱- ۶.
کشف و گفتگو کنید: خدا مسؤولیتهایی به زنان سپرده است؟
ملاحظات:
الف) اولین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك زن مسیحی نهاده است محبت کردن شوهرش می‌باشد.
تیطس ۲: ۴- ۵ تعلیم می‌دهد که مادران جوانتر باید شوهران و فرزندان خود را محبت کنند، خویشتندار و عفیف و شایسته و مهربان و تسلیم شوهران خویش باشند، تا هیچ کس نتواند درمورد کلام خدا بد بگوید. همچنین زنان مسیحی باید از خصوصیاتی

که در اول قرنتیان فصل ۱۳ ذکر شده است، نظیر بردباری، مهربانی و سایر خصوصیات، بهره‌مند باشند. درخصوص مسئله مادران شاغل، باید هم نیازهای مادی دنیای امروز و میل به فردگرایی در نظر گرفته شود، و هم منافع و اولیت‌های ملکوت خدا.

ب) دومین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك زن مسیحی نهاده است این است که از شوهرش اطاعت کند و تسلیم او باشد.
احترام کردن به شوهر، بدین معنا است که زن باید نقطه نظرات خود را با ملایمت به همسرش بازگو کند و اجازه دهد خدا به طریقی که صلاح می‌بیند در این مورد عمل کند. او باید به تعالیم و نصایح شوهرش به دقت توجه نماید، و در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات او استفاده کرده، شوهرش را از پیشرفتها موفقیت‌هایی که در زندگی کسب می‌کند مطلع سازد. یك زن باید همواره برای کمك به شوهرش پیش‌قدم شود، و منتظر نباشد که شوهر چیزی را از او بخواهد (پیدایش ۲: ۱۵). او باید با بردباری به سخنان شوهرش گوش فرا دهد و سعی کند مشکلات و نقطه‌نظرات او را درك کند.

البته تسلیم شوهر بودن به این معنا نیست که مثل یك برده سرسپرده او باشیم، بلکه به این معنا است که او را معاون و یاری‌رسان خود بدانیم. تفاوت بین اطاعت کردن و تسلیم بودن در این است که اطاعت چیزی است که شخصی در مقام یا رتبه‌ای والا انجام آن را از کسی که در رتبه‌ای پایین‌تر از او قرار دارد مطالبه می‌کند، ولی تسلیم بودن حالتی داوطلبانه است، نظیر هنگامی که یك زن با میل قلبی، خود را در اختیار شوهرش می‌گذارد. شوهر نمی‌تواند زن خود را موظف سازد که تسلیم او شود، زیرا تنها خدا این حق و امتیاز را دارد. تسلیم شدن به این مفهوم است که زن به شوهر خود به عنوان رهبر و سر خانواده احترام می‌گذارد و سعی می‌کند برای او معاون و مونس خوبی باشد و بدین ترتیب از او پیروی کند. زن به عنوان کسی که با شوهرش در یك گروه است، می‌تواند رهبر گروه را از پیشنهادات، ایده‌ها، کمکها و حمایتهای خود برخوردار سازد. او می‌تواند در مورد موضوعات مختلف با شوهرش صحبت کند و بعد تصمیم‌گیری نهایی را به عهده او بگذارد. زن و شوهر باید در خانواده و جامعه خود به صورت یك گروه دو نفره زندگی و کار کنند.

خلاصه: خدا وظایف عملی و مشخصی را بر عهده شوهران و زنان مسیحی نهاده است. وقتی شوهر آنگونه که خدا می‌خواهد زن خود را محبت و هدایت کند، برای زن دشوار نخواهد بود که به شوهر خود محبت کند، تسلیم او باشد و به رهبری او در خانواده گردن نهد. فرزندان خانواده نیز با نگریستن به نحوه رفتار و برخورد والدین نسبت به یکدیگر است که محبت، رهبری، احترام، و تسلیم و سرسپردگی را به بهترین وجه یاد می‌گیرند.

پ - مراسم ازدواج مسیحی

مقدمه: مراسم ازدواج مسیحی، واقعه‌ای عمومی، اجتماعی و مذهبی است. کتاب‌مقدس زندگی زن و مرد در کنار هم خارج از ازدواج را محکوم می‌کند. مراسم ازدواج مسیحی به طور عمومی و رسمی به دوران تجرد دو نفر خاتمه داده، نشان می‌دهد که آنها از این پس وارد مرحله جدید از زندگی شده‌اند و رسماً یك زوج مسیحی محسوب می‌شوند. کتاب‌مقدس در رابطه با مراسم ازدواج مسیحی حقایق زیر را بیان می‌دارد:

۱- مراسم ازدواج دارای سه عنصر ضروری است:

بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۵- ۶؛ افسسیان ۵: ۳۱.
کشف و گفتگو کنید: از نظر عملی، سه عنصر ضروری در مراسم ازدواج دارای چه مفاهیمی است؟
ملاحظات: در متی ۱۹: ۵-۶، عیسی می‌فرماید: "از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش بپیوندند و هر دو یك تن خواهند شد. بنابراین بعد از آن دو نیستند بلکه یك تن هستند. پس آنچه را که خدا پیوست انسان جدا نسازد." خدا این جمله را در زمان خلقت انسان گفت و پولس آن را برای کلیسا تکرار کرد. بنابراین این اصل در کتاب‌مقدس دارای اهمیت فراوانی است. ازدواج یك واقعه مهم اجتماعی و مذهبی است، زیرا مرد و زن والدین خود را ترك می‌کنند و با هم خانواده جدیدی را تشکیل می‌دهند. سه عنصر ضروری مراسم ازدواج عبارتند از: ترك کردن والدین، پیوستن به یکدیگر و یك تن شدن.

الف) ازدواج یعنی ترك والدین.
وقتی یك زن و مرد اعلام می‌کنند که می‌خواهند با هم ازدواج کنند و در این مسیر برنامه‌ریزی می‌کنند، در واقع آماده می‌شوند که والدین خود را ترك گویند. این مرحله اعلام قصد ازدواج و آماده شدن برای آن را نامزدی می‌نامند. زوجی که نامزد کرده‌اند پس از برگزاری مراسم ازدواج از والدین خود جدا می‌شوند.
۱) ترك کردن والدین به این معنا است که یك زوج باید از نظر عاطفی نیز با والدین خود وداع گویند. زن و شوهر باید پس از ازدواج یکدیگر را بیشتر از والدین‌شان محبت کنند، و همدیگر را بر والدین خود مقدم بدانند.
۲) ترك کردن والدین به این مفهوم است که یك زوج دیگر نباید تحت اقتدار والدین خود باشند: افسسیان ۶: ۱-۳ تعلیم می‌دهدکه تا زمانی که یك زوج در خانواده خود و تحت نظارت والدین زندگی می‌کنند، باید به والدین خود احترام گذاشته از آنها اطاعت کنند. ولی در افسسیان ۵: ۳۱ می‌خوانیم که وقتی دو نفر با یکدیگر پیمان زناشویی می‌بندند، باید پدر و مادر خود را ترك گویند:

يك زوج پس از ازدواج ديگر موظف به اطاعت از والدين خود نيستند، ولی كماكان بايد در هر امری از خدا اطاعت كنند. البته اين زوج بايد حتی پس از ازدواج نيز به والدين خود احترام بگذارند، ولی احترام گذاشتن آنها به مفهوم اطاعت كردن از والدين نيست. به عنوان مثال، والدين شوهر و والدين زن ديگر اختيار و قدرتی بر فرزندان خود ندارند. به همين ترتيب، مادر شوهر نيز هيچ اختياری بر عروس خود ندارد.

۳) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج ديگرنبايد از نظر مالی وابسته به والدين خود باشند: زوجی كه ازدواج كرده‌اند بايد از لحاظ مالی خودكفا بوده، امور مالی‌شان را خودشان اداره كنند.

۴) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج بايد از لحاظ روحانی نيز از والدين خود مستقل باشند: اگر والدين اين زوج مسيحی نيستند، آنها ديگر مجبور نيستند اعتقادات و مراسم مذهبی والدينشان را تحمل كنند، بلكه بايد تنها عيسی مسيح خداوند را در خانه‌های خود خدمت نمايند.

۵) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج ديگر نبايد از نظر اجتماعی از والدين خود تبعيت كنند: در صورت امكان بهتر است زن و شوهری كه تازه ازدواج كرده‌اند در اتاق يا خانه‌ای جدا از والدين خود زندگی كنند. البته در برخی از فرهنگها جوانان از مدتها قبل از ازدواجشان جهت تحصيل يا كار، از والدين خود جدا می‌شوند. اين عملی اشتباه نيست.

تمامی اين موارد، هم برای والدين زوج و هم برای هر شخص ديگر علاماتی است روشن و قابل مشاهده از اينكه زن و شوهر متأهل ديگر به والدين خود متكی نيستند، بلكه زندگی خانوادگی جديد و مستقلی را تشكيل داده‌اند.

ب) <u>ازدواج به مفهوم پيوستن به يكديگر است.</u>

مراسم ازدواج مراسمی است عمومی، اجتماعی و مذهبی، كه طی آن مرد و زن در حضور خدا و مردم با يكديگر عهد بسته، قول می‌دهند كه در طول زندگی مشترك‌شان نسبت به يكديگر وفادار باشند، تا آنگاه كه مرگ آنها را از هم جدا سازد.در ملاكی ۲: ۱۳- ۱۶ خدا می‌فرمايد: "خداوند در ميان تو و زوجه جوانی‌ات شاهد است" تا تو عهدی را كه در زمان ازدواج با همسرت بستی، زير پا نگذاری. در جريان مراسم ازدواج، خود خداوند مرد و زن را به هم می‌پيوندد و به آنها هشدار می‌دهد كه هيچگاه طلاق نگيرند و با اينكار به هم خيانت نورزند. در زمان مراسم ازدواج خانواده‌های عروس وداماد، برادران و خواهران مسيحی و دوستان ديگر شاهد هستند كه اين دو نفر در حضور خداوند با يكديگر عهد بشته‌اند كه از آن پس به صورت يك زوج زندگی كنند. زن و مرد در مراسم ازدواج به هم قول می‌دهند كه يكديگر را محبت كرده، نسبت به هم وفادار باشند و در تمام شرايط زندگی مشترك، يكديگر را كمك كنند.

پ) <u>ازدواج به مفهوم يك تن شدن است.</u>

مراسم ازدواج نقطه شروعی است كه طی آن، زن و شوهر در جوانب مختلف زندگی مشترك خود با يكديگر متحد می‌شوند. آنها بايد از نظر روحانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی با هم متحد شوند. اتحاد جسمانی، نقطه عطف اتحاد زن و شوهر است و از ديدگاه خدا، تنها پس از مراسم ازدواج و در چارچوب روابط زوجين مجاز است. خدا از طريق مراسم ازدواج اين موضوع را تأييد می‌كند كه زن و شوهر می‌توانند پس از آن از نظر جنسی با هم متحد شوند. اتحاد جنسی يك زوج تنها زمانی باعث خشنودی خدا است كه در چارچوب ازدواج صورت گيرد. به همين دليل است كه خدا هر نوع رابطه جنسی قبل از ازدواج و خارج از آن را منع می‌كند (عبرانيان ۱۳: ۴). اتحاد جسمانی زمانی لذت‌بخش است كه يك زوج در ابعاد ديگر روابط خود نيز رشد كنند.

۲- <u>مراسم ازدواج، جشنی عمومی، اجتماعی و مذهبی است.</u>

تعليم دهيد: در كتاب‌مقدس ازدواج هيچگاه امری مخفی و سری نبوده است، بلكه همواره واقعه‌ای عمومی بوده است.

الف) <u>مراسم ازدواج امری خانوادگی بود.</u>

در زمانهای قديم "تعهد و پيمان ازدواج" امری كاملاً خانوادگی بود و عبارت می‌شد از انتخاب طرفين ازدواج (پيدايش ۲۱: ۲۱)، دادن هديه يا پيشكش به خانواده عروس در برخی موارد (پيدايش ۲۹: ۱۸، ۳۴: ۱۲)، و دادن هدايا به عروس و داماد (پيدايش ۲۴: ۵۹، ۶۱، اول پادشاهان ۹: ۱۶).

ب) <u>مراسم ازدواج واقعه‌ای عمومی بود.</u>

برخی از جنبه‌های اين واقعه از اين قرار است: عروس و داماد جامه‌های عروسی می‌پوشيدند (مزمور ۴۵: ۱۳- ۱۴). ندیمه‌های عروس و دوستان داماد آنها را همراهی می‌كردند (مزمور ۴۵: ۱۴، يوحنا ۳: ۲۹). داماد و دوستانش به خانه عروس می‌رفتند و ندیمه‌های عروس به استقبال آنها می‌شتافتند. آنگاه همگی به اتفاق در مراسمی باشكوه از خانه عروس به خانه داماد می‌رفتند، زيرا جشن عروسی بايد در خانه داماد برگزار می‌شد. مهمانان دعوت شده تنها در صورتی اجازه داشتند به اين گروه ملحق شوند كه با خود چراغ قوه يا مشعلی به همراه داشته باشند، زيرا جاده‌ها در شب بسيار تاريك بود (متی ۲۵: ۱- ۱۳). جشن عروسی گاه تا يك هفته به طول می‌انجاميد (متی ۲۲: ۱- ۱۴، يوحنا ۲: ۱- ۱۰، داوران ۱۴: ۱۷). باشكوه‌ترين قسمت مراسم ازدواج، هنگامی بود كه زوج در حضور خدا به عنوان شاهد اصلی، با هم عهد و پيمان می‌بستند (ملاكی ۲: ۱۴، امثال

۲: ۱۷، حزقیال ۱۶: ۸). از آن زمان به بعد، زوجهای مسیحی در طول قرون متمادی مراسم ازدواج را در حضور خدا، و در میان خانواده و دوستان و برادران و خواهران مسیحی‌شان برگزار کرده‌اند.

پ) نقطه عطف ازدواج یا داشتن روابط جنسی.
این امر تنها پس از برگزاری مراسم عروسی امکان‌پذیر بود (پیدایش ۲۹: ۲۱- ۲۳، تثنیه ۲۲: ۱۳- ۲۱؛ عبرانیان ۱۳: ۴).

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " ازدواج مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از اول تسالونیکیان ۲- ۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۶: ۳۷) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۸) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.